



On the blank sheets, some blue lines have embraced the bare bodies. These bodies, through extending and alteration in their forms, are changed into other creatures. These poetic works lay the foundations of the painter's second group of works. But the capacity of this artist's last experiences to inspire alteration and compression and expand multi-meaningful and sometimes bewildering signs is more and the pictures progress based on an artistic disobedience and release themselves from a distinct theme. And in an unusual atmosphere, there are figures not clear are happy or aloof, do something or not, whisper to one another or are silent, hide or offer something, have hugged each other or are keeping their distance from themselves and others, are broken or firm and staunch, and...

Hoda Kashiha's leaning towards picturing similar scenes – having a rather monotone architecture and a colored rhythm culminated sometimes – and using a symbolic rhythm of architectural forms – which both remind a circus atmosphere and bring to mind indistinct scenes and customs – conveys a vast amount of sensible and insensible life to the audience.

These works are not far from the routine life. However, no sign of being routine is seen in them. Kashiha's works are a vestibule through which she experiences all situations and the most maddening routine habits. Nevertheless, her works go beyond the borders of what a watcher of reality secret experiences.

This artist simply holds the sway of her order over the colors. A net of colors embraces her works' structure and the color scope has formed by the antithetical pair of feeling and concept more than anything else. Dividing colors and using visible and invisible lines are important factors in her works. She extends these factors and avoids having monotone works by making colors and lines compete with each other. The motor power of Hoda Kashiha's works is this competitive relationship.

Ali Nasir

بر روی صفحه‌های سفید و خالی، خطوطی آبی‌رنگ، پیکره‌های تهی و برهنه را در بر گرفته‌اند. این پیکره‌ها در ادامه‌ی خویش و دگرگون شدن فرم اندام‌ها به موجودات دیگری مبدل می‌شوند. این کارهای شاعرانه، بن‌مایه‌ی گروه دوم نقاش را در بر می‌گیرد. اما ظرفیت آخرین تجربیات این هنرمند برای القای دگرگونی، فشردگی و گسترش نشانه‌های چندمعنایی و گاه گیج‌کننده، توان بیشتری دارند و تصاویر براساس یک نافرمانی هنری پیش‌می‌روند که خویش را از یک درونمایه‌ی مشخص رها می‌کنند. و در فضایی نامتعارف فیگورهایی که معلوم نیست شادند، در خود فرورفته‌اند، کاری انجام می‌دهند یا نه، با یکدیگر نجوا می‌کنند یا ساکتند، چیزی را پنهان و یا عرضه می‌کنند، یکدیگر را در آغوش گرفته‌اند و یا در حال فاصله گرفتن از خود و دیگری هستند؛ از هم گسیخته‌اند یا محکم و پابرجا و...

گرایش هدی کاشیها در به‌تصویر کشیدن صحنه‌هایی شبیه به هم با معماری تقریباً یکنواخت و ریتمی رنگی که در نقاطی به اوج می‌رسد، استفاده از وزن نمادین فرم‌های معماری که هم یادآور فضای سیرک هستند و هم صحنه‌ها و مراسمی نامشخص را تداعی می‌کنند، حجم فشردگی از زندگی محسوس و نامحسوس را به بیننده منتقل می‌کند.

این آثار از زندگی روزمره جدا نیستند؛ اما در آن‌ها نشانه‌ای از روزمرگی نیست. آثار هدی کاشیها دهلیزی است که او در آن تمامی موقعیت‌ها و دیوانه‌کننده‌ترین عادت‌های روزمره را تجربه می‌کند؛ با این وجود آثار او از مرزهای تجربه‌ی بیننده، از واقعیت فراتر می‌رود.

این هنرمند به‌راحتی رنگ‌ها را زیر سیطره‌ی نظم خویش درمی‌آورد. ساختار آثارش را شبکه‌ای از رنگ دربر می‌گیرد و میدان رنگ بیش از هر چیز از جفت متضاد حس و مفهوم تشکیل شده است. تقسیم‌بندی رنگی و استفاده از خطوط مرئی و نامرئی عامل تعیین‌کننده‌ای در آثار اوست. او این عامل تعیین‌کننده را به‌راحتی گسترش می‌دهد و با به‌رقابت کشیدن خط و رنگ از یکنواختی آثارش پرهیز می‌کند. نیروی محرکه‌ی آثار هدی کاشیها همین رابطه‌ی رقابتی است.

علی نصیر